

میدون و سوفیا

سال نوی میلادی به این شکل



► **پوریا عالمی**

● سوفیا... عشقم... دیشب وارد سال جدید میلادی شدیم و این یعنی جهان از حرکت بازنايستاده. با اینکه ترامپ هنوز رئیس‌جمهور آمریکاست و تصمیم دارد ما را بخورد. درست مثل احساسی که رئیس‌جمهور ایران احمدی‌نژاد بود و به سال نو می‌رسیدیم. یادتان هست که باورمان نمی‌شد؟

یعنی عید می‌شد، بغض می‌کردیم که واقعا هنوز زنده‌ایم؟ البته هنوز هم همین‌طوری است، فرقتش این است که احمدی‌نژاد رفته و ما الان نمی‌دانیم تقصیر را دقیقا کردن کی بیندازیم؟ گردن روحانی؟ خب خودمان رای دادیم و هرچی بگوییم مثل سنگ سربالاست! بیندازیم گردن کی پس؟ خلاصه امروز وارد سال جدید میلادی شدیم و جهانیان هنوز دارند همدیگر را می‌خورند و این نشان می‌دهد جهان جالاحالا تمام نخواهد شد. امروز وارد سال جدید میلادی شدیم، آن هم در وضعی که جهان را شاخ‌های اینستاگرام می‌گردانند و همه فکر می‌کردند به همین دلیل به آخر دنیا رسیده‌ایم و اما هنوز نرسیده‌ایم! سوفیا... عشقم... سال نو میلادی را مردم ایران جشن می‌گیرند و سال نو شمسی را می‌روند خارج و نیستند که جشن بگیرند! واقعا جریان چیست؟ سوفیا... عشقم... امیدوارم در سال جدید من به تو برسم و تو به من رسیدگی کنی که حالا که از سیاست و اقتصاد شانس نیاورده‌ام، از عشق‌وعاشقی شانس بیاورم! عاشق میلادی تو؛ میدون دوم

قصه‌های شهر

بمانیم یا برویم



► **گیتی صف‌زاده**

● هرازچندگاهی دوستانی که در خارج از کشور دارم، از من می‌پرسند: دلنتگ وطنیم، برگردیم و در ایران زندگی کنیم؟ دوستان داخل کشورم هم هر چند وقت یک‌بار می‌گویند: از شرایط خسته شده‌ایم، بهتر نیست برویم جای دیگر زندگی کنیم؟ هر دو دسته البته با همان قاطعیتی که این سؤال را مطرح می‌کنند، سر جای خودشان مانده‌اند. درست مثل پسر بزرگ و پسر کوچک یکی از بستگانمن. این فامیل دور چندسالی قبل از وقوع انقلاب همراه خانواده به آمریکا رفتند تا ببینند می‌توانند در آنجا زندگی کنند یا نه. بعد از چندماه‌ی برگشتند، دستاورد این سفر غیر از سوغاتی و خاطرات سفر این بود که پسر بزرگ‌تر را عاشق آنجا کرد و بلافاصله با اخذ بورسیه برای ادامه تحصیلات راهی نیگه‌دنیا شد. با اینکه عکس‌هایش نشان می‌داد که از مواهب زندگی در آنجا برخوردار است، اما در زندگی شخصی خیلی حالش خوش نبود؛ چندین‌بار تغییر شغل، یک ازدواج ناموفق و یک دوره افسردگی تا همین چندسال پیش که برگشت ایران. آن جوان خوش‌قولبا، مرد جالفاضاده شکم‌کنده و کلک‌تاس و بی‌حوصله‌ای شده بود. کمی که ماند، دید اینجا نمی‌تواند زندگی کند، برگشت همان‌جا که اقلا با افسردگی‌اش بتواند مواهب دیگری را هم مصرف کند.

پسر کوچک‌تر اما به شکل قاطعانه‌ای تصمیم گرفت در اینجا بماند. عشق هنر و ادبیات داشت، اما در شرایط سال‌های آغازین انقلاب و شروع جنگ، ترجیح داد که رشته مهندسی بخواند. در یک دانشگاه خوب دولتی قبول شد، در یک اداره دولتی استجاده شد، ازدواج نسبتا خوبی کرد، پله‌های ترقی را در حد یک مهندس بالا رفت، اما هربار که در میهمانی‌های فامیلی دیده می‌شود، سر بی‌مو و چروک‌های روی صورتش را می‌چیناند و از روزگار پرتلاطم و جبر زندگی گله می‌کند که باعث شد نتواند آن کتابی را که می‌خواست چنان را متحول کند، بنویسد.

یادم رفت بگویم که آنها یک خواهر وسطی هم داشتند. خواهر وسطی تا دیلم بیشتر درس نخواند، بعد از آن ایامی را به شادکامی گذراند تا سرانجام همسر یک مهندس شد. شوهرش مرد متوسطی بود، اما تمام شرایط موردنظر خواهر را داشت؛ یعنی اهل کار و درآمد بودن و همسر را تاج سر پنداشتن. خواهر وسطی سه پسر قدونیم‌قد زایید، درحالی‌که با خوشحالی و شادمانی میهمانی می‌داد، سفر داخلی و خارجی می‌رفت و دکوراسیون خانه‌اش را عوض می‌کرد. چندوقت پیش در یکی از پاساژهای تهران دیدمش. با همان لبخند شمعناک به یک مغازه اشاره کرد و گفت با یکی از دوستانش در کار مغازه شریک شده. بوسه‌ای در هوا به سویم پرت کرد و چرخ‌زنان رفت. راستش خواهر وسطی را دوست دارم، جای خودش را پیدا کرده، حتی اگر مغازه فروش لباس زنانه باشد.

سرتق روزنامه

www.sharghdaily.ir

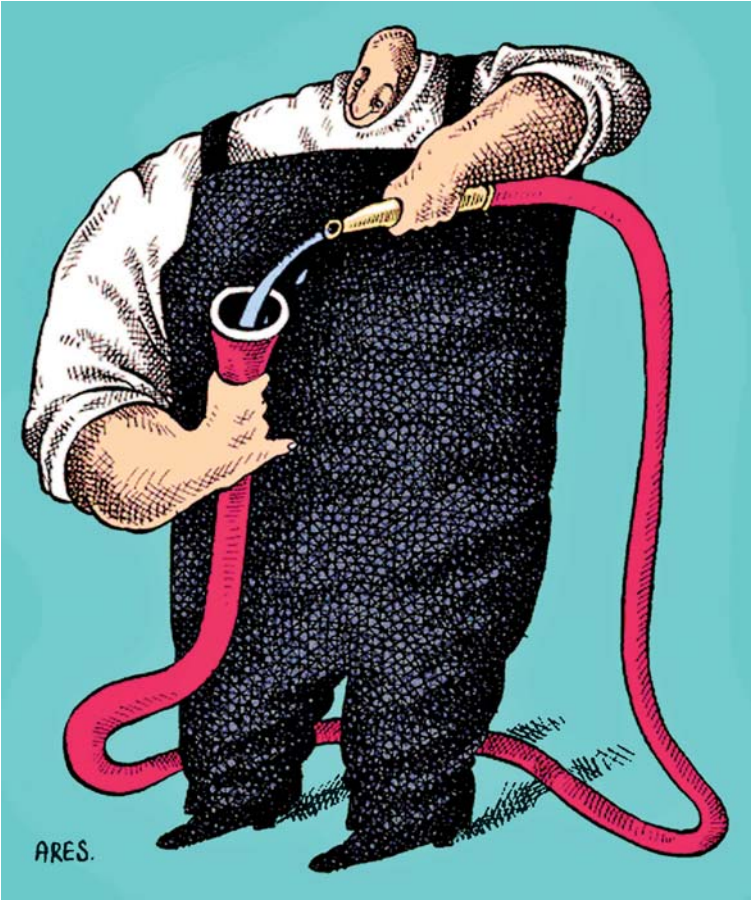
سه‌شنبه ۱۱ دی ۱۳۹۷ • ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۴۴۰ • ژانویه ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۳۳۱ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۲:۰۸ • اذان مغرب ۱۷:۲۲ • اذان صبح فردا ۵:۴۵ • طلوع آفتاب ۷:۱۴

روزنامه‌فرا

کارتون خواب



► **آرستیدز هرئاندز**



اتفاق

مهم‌ترین کشفیات گالوپ در سال ۲۰۱۸

مؤسسه نظرسنجی گالوپ در آخرین روزهای سال ۲۰۱۸ مهم‌ترین نتایج حاصله از نظرسنجی‌های این مؤسسه در سراسر جهان را منتشر کرد. گالوپ در سال ۲۰۱۸، حدود صد گزارش و مقاله در این زمینه منتشر کرده که مردم در بیش از ۱۴۰ کشور در سراسر جهان چه می‌اندیشند و چه چیزی احساس می‌کنند. میزان رضایت مردم کشورهای مختلف از نظام سلامت و بهداشت، عملکرد مدیران و رهبران، اعتماد به نهادهای ملی، میزان اشتغال و سایر مسائل مربوط به زندگی روزمره مردم و در نهایت گزینه‌های آنان به‌طور سیستماتیک در نظرسنجی جهانی گالوپ برآورد شده است.

فهرست ذیل مواردی را شامل می‌شود که دبیران گالوپ آنها را مهم‌ترین کشف‌های این مؤسسه از چگونگی افکار و آرای مردم و مهم‌ترین موضوع‌ها در سراسر جهان در سال میلادی که گذشت برشمرده‌اند و در واقع واکنش آنان نسبت به مسائل سال ۲۰۱۷ بوده است.

سقوط چشمگیر تصور پیشین مردم جهان تا پایین‌ترین سطح درباره اینکه **ایالات متحده** نقش **راهبر**ی در **کشورهای جهان را برعهده** دارد؛ کشور آلمان در سال ۲۰۱۷ به عنوان قدرت جهانی برتر جایگزین ایالات متحده شد و تصور نقش رهبری ایالات متحده در نخستین سال ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ به ۳۰ درصد کاهش یافت. گزارش گالوپ درباره رتبه‌بندی رهبران جهان نشان داد ائتلاف‌ها و همکاری‌های ایالات متحده در معرض خطر است.

بی‌کاری جهانی واقعی ۳۳ درصد است، نه ۶ درصد؛ مشکلی در این زمینه وجود دارد که جهان چگونه بی‌کاری را تعریف و با چه معیاری اندازه‌گیری می‌کند. حدود نیمی از مردم جهان که خوداشتغالی دارند، در واقع بی‌کارند. این مشاغل واقعا شغل نیستند. گالوپ وضعیت شغلی واقعی در ۱۲۸ کشور را بررسی کرد و متوجه شد که بزرگ‌ترین شکاف را می‌توان بین مشاغل خوب و مشاغل عالی تعریف کرد.

جهان در سال ۲۰۱۷ گرایش و نگرشی منفی یافته است؛ جهان بیش از هر زمان دیگر در دهه گذشته، در سال ۲۰۱۷ احساس فشار، نگرانی، غم و درد کرده است. منفی‌ترین کشور در جهان جمهوری آفریقای مرکزی بود که در آن ۷۶ درصد ساکنان درد فیزیکی شدید را تجربه کرده‌اند و تقریبا به همان تعداد (۷۴درصد) روز بیش از آن درد فیزیکی احساس نگرانی شدید داشته‌اند.

بیشترین سخاوتمندی در سراسر جهان: درحالی‌که ۲۰۱۷ شاید از جنبه عاطفی بدترین سال برای جهان باشد، تازه‌ترین نظرسنجی گالوپ درباره هر سال نوی میلادی و کریسمس را جشن می‌گیریم؟ از کی این اتفاق افتاد که در خانه‌هایمان میهمانی کریسمس برگزار می‌کنیم، کاج تزئین می‌کنیم و برای بچه‌هایمان جوراب بابانوئل گوشه افتاقشان آویزان می‌کنیم و بعد یواشکی هدیه‌ای درونش می‌گذاریم و البته عکسش را هم در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک می‌گذاریم؟ از چه زمانی به ذهن دوستان و آشنایانمان رسید که همدیگر را برای میهمانی سال نو و کریسمس دعوت کنند و برایش سنگ‌تمام بگذارند؟ از کی قرار شد برای میهمانی غیر از همه غذاهای ایرانی، بوقلمون وسط میز بگذاریم و برای دسر، کیک یا کوزن‌ها و سورتمه ...و. تزئین شده، بیاوریم؟ بیش از ۱۰ سال است که شهرداری تهران سالان نو و تولد حضرت مسیح را با بیلبوردها تریک می‌گوید. همسایگان ارمنی یا مسیحی‌مان یا شرکت‌های خارجی که در ایران فعالیت دارند میهمانی جشن سال نو می‌گیرند.



► **بهمن کشاورز**

برایم نقل شد در زمان اشغال ایران به وسیله متفقین یکی از افسران اشغالگر درحالی‌که یک اسکناَس ۱۰دلاری را لوله کرده و به صورت استوانه‌ای درآورده بود و آن را در دست‌های خود می‌چرخاند، مشغول گردش در بازار تهران بود. زمانی که به این وسیله بازی خود که مانند زنجیر در دست داشت و با آن بازی می‌کرد، نگاه کرد، دریافت که آن استوانه با یک استوانه ساخته‌شده از کاغذ باطله عوض شده و او متوجه نشده است! راوی می‌گفت که این افسر در قهوه‌خانه‌ها شایع کرد که اگر بار دیگر کسی این اقدام را بکند، چنین و چنان جایزه خواهد داشت. گویا این فرد بارهای دیگری در بازار به همین شکل قدم زد و حواسش جمع بود؛ اما بالاخره فرد طرد اسکناَس را زد؛ ولی به دنبال جایزه نیامد و به بردن اسکناَس اکتفا کرد. راوی می‌گفت این هم شاهدهی است بر «هنر نزد ایرانیان است و پس». البته این هنر را ایرانیان در همه زمینه‌های دیگر، ازجمله امور مثبت دارند، اگر عوامل داخلی و خارجی بگذارند.

اخیرا داستان عجیبی شنیده‌ام که به نوعی یادآور همین ماجراست. یکی از همکاران، قریب به دو ماه پیش برای من نقل کرد که در مراجعه به یکی از مجتمع‌های قضائی بسیار مهم، در موقع تحویل‌دادن تلفن همراه از او مطالبه کارت ملی کرده‌اند. وقتی علت را جویا شده، گفته‌اند کسانی شماره‌های مربوط به گرفتن و دادن تلفن‌های همراه

را که پلاکی برنجی است، به طور جعلی ساخته و با ارائه آنها در زمانی که صاحب اصلی تلفن در مجتمع است، اقدام به گرفتن موبایل او کرده‌اند. برای جلوگیری از این امر مطالبه کارت ملی لازم شده تا مأمور مربوطه چهره صاحب موبایل را با تصویر او منطبق و احراز هویت کند. بگذریم از اینکه گرفتن تلفن همراه از افرادی مانند وکلا و کارشناسان رسمی که وابستگان عدلیه هستند، به خودی خود محل بحث و تأمل و سؤال است و صرف‌نظر از اینکه با تدبیر جدید، زمان گرفتن و پس‌دادن تلفن‌های همراه بسیار طولانی است و این ماجرا منجر به تشکیل صف‌های درازی می‌شود که معطل‌شدن در آنها مستلزم اتلاف وقت و تحمل فشار عصبی بسیار است. به‌ویژه با توجه به اینکه عکس افراد بر روی کارت‌های شناسایی غالبا به چهره آنها انطباق کامل ندارد و این موضوع به‌ویژه درباره خانم‌ها قطعا مشکل‌ساز است، اصولا وجود چنین پدیده‌ای آن هم در محدوده کار قوه قضائیه بسیار عجیب و تأمل‌برانگیز است. متأسفانه در چند روز اخیر از دوستان دیگری شنیدم که همین تدبیر واقع شده‌اند، اجرا می‌شود. شاید کثرت مشکلات و مسائل و مصائب در زمینه‌های گوناگون چنان باشد که گفته مشهور «از کثرت سمن یاسمن فراموش می‌شود» را در ذهن تداعی کند و کسی بگوید با این مقدار گرفتاری که مردم دارند، این یک فقره چیزی نیست؛ اما خواهیم گفت اتفاقا همین موضوع در جورا افزایش جرم‌های موبایل‌قاپی و زورگیری موبایل و مواردی نظیر آن است که نشانه‌های زورزی از وجود کج‌روی‌ها و انحرافات ناشی از فقر و گرفتاری در جامعه تلقی می‌شود. مجسم کنید برای اجرای

یادداشت

طرّاری در مقابل چشم مقامات!

همین روش دزدی چقدر باید وقت و استعداد مصرف شود؛ زیرا کسی که موبایل را تحویل می‌دهد و وارد مجتمع می‌شود، معلوم نیست چه زمانی برگردد. از طرفی هر موبایلی هم احتمالا مورد علاقه و توجه دردان نیست. همچنین برای انجام این سرقت باید پلاک‌های برنجی را با اوصاف دقیق پلاک‌های واقعی قیلا ساخته و آماده کرده باشند. به عبارت دیگر این‌یک «پروژه» است. همچنین قاپیدن و زورگیری موبایل صرف‌نظر از اینکه به علت مقاومت صاحب مال ممکن است خطرناک باشد، از نظر آنکه موبایل‌های هوشمند معمولا صرفا برای مالکی که رمز آنها را دارد، قابل استفاده است، صرفا ممکن است برای استفاده از اجزایش قابل سرقت باشد. طرفه اینکه وقتی اخبار مربوط به سرقت‌های خرد ازجمله موبایل‌قاپی و زورگیری را در روزنامه‌ها می‌خوانیم، می‌بینیم باند‌های دستگیرشده مثلا به ۵۰ فقره یا بیشتر سرقت؛ آن هم در محدوده و خیابان‌های خاص اقرار می‌کنند و این به آن مفهوم است که ماجرا مدتی یا مدت‌هایی ادامه داشته است. با مقایسه تعداد موارد این‌گونه جرم‌ها با گذشته نه‌چندان دور می‌توان نتیجه گرفت که این افزایش متأثر از وضع اقتصادی و توسعه فقر و فشار بی‌حد بر قشرهای آسیب‌پذیر است که ظاهرا به تعداد این قشرها نیز دالما افزوده می‌شود. مباد به روزی برسیم که هرکس برای دفاع از جان و مال و عرض خود ناچار مسلح شود. ظاهرا کمترین قوم باید به فکر چاره یا چاره‌های اساسی باشند؛ زیرا وقتی چنین رویدادی درست در مقابل چشمان مقامات قضائی واقع می‌شود، این را باید نشانه‌ای بسیار جدی و خطرناک تلقی کرد. والله اعلم.

زیر آسمان شهر

کریسمس ما تهرانی‌ها

همراه فرزندان به ویتترین‌ها نگاه می‌کند صحبت می‌کند و کنج‌کاوای‌ام را در میان می‌گذارم. انتظار داشتم که با حالت ابرویش مرا از سر خودش باز کند، اما جوابش ساده بود: «ما از استرالیا برای دشن خانواده‌ام آمده‌ایم. پسر دوست داشت آنجا بماند و با هم‌کلاسی‌هایش تعطیلاتش را بگذراند. خیابان‌های شهر ما پر از کاج‌های تزئین‌شده بود. این خیابان هم برایش جالب است، البته ما موقع سال نو در استرالیا برف نداریم. اینجا با اینکه سرما خورده، قول دادم حتما برای برف‌بازی بروم. البته هدیه سال نو را هم که نمی‌توانم از او دریغ کنم». خانم دیگری که به سراغش می‌روم، حجابش برایم جلب‌توجه می‌کند، اما وقتی سلام را غلیظ‌تر از من جواب داد، پرسیدم کجایی هستند. گفت: «لبنانی، اما ساکن تهران هستم و پدرم ایرانی بود. الان هم به دنبال یک چوب هری پاتر می‌گردم که قول داده‌ام سانتا برای پسرم بیاورد».

پرسیدم همیشه کریسمس و سال نو را جشن می‌گیرد، می‌گوید: «تقریبا هر سال اگر به بیروت نروم، حتما درخت را با بچه‌ها تزئین می‌کنیم و خیلی از دوستان فرزندانم را هم دعوت می‌کنم. ما مسلمانان اما جشن سال نوی میلادی فرصتی است که با دنیا و دیگران احساس نزدیکی کنیم. چرا باید فرزندانم چون در ایران زندگی می‌کنند از بقیه جدا بمانند؟ هرچند امسال خیلی قیمت‌ها بالا رفته است و نتوانستیم به سفر برویم، خریدکردن هم خیلی سخت شده؛ کوچک‌ترین وسیله تزئینی حداقل ۱۰ هزار تومان است».

در شبکه‌های اجتماعی هم برای بسیاری جشن سال نوی میلادی بیشتر یک بهانه برای شادی است، برای دورهم جمع‌شدن و به قول یکی «بدون احتیاج به خانه‌تکانی عید». آرامنه تهران که اکثریتشان از خیابان‌های سسمیه، نظام‌آباد، میرزای‌شیرازی و... زندگی می‌کنند، برگزارای عید کریسمس را روز ششم ژانویه، چند روز دیگر جشن می‌گیرند، اما این چند روز تهران خیلی فرق داشت. تقریبا بیش از ۱۲،۱۰ روز است که میهمانی‌های زیادی، با تم کریسمس برپا می‌شوند؛ میهمانی‌هایی که یادآوری می‌کنند، غمون‌سوز و نه‌سرما را هم باید به جذابی بابانوئل بازسازی کنیم.



عروسک‌های مختلف بابانوئل و ... در آن امکان‌پذیر است. این خیابان مدت‌هاست که با تزئیناتش فرصتی است برای گرفتن عکس و لذت‌بردن از این فضای متنوع و شرکت‌کردن در جشن و شادی همشهری‌ها با دینی متفاوت. بابانوئل‌ها که در وسط خیابان حضور دارند و هرچند یک‌بار با کودکی که در آن حوالی است، عکس یادگاری می‌گیرند یا دستی بر سرشان می‌کشند، یادآور همان حاجی‌فیروزهای دم عید نوروز هستند.

با خانمی که کیسه بزرگی همراهش است و

دور دنیا

هدیه هابل



دارد. این ستاره‌ها همچنین بسیار روشن و داغ‌اند و ازاین‌رو توجه اخترشناسان را جلب کرده‌اند و به دلیل روشنائی زیاد خود یکی از گونه‌های فراغول‌ها هستند. طیف این ستارگان نیز غیرعادی است و این خود یکی از عواملی است که آنان را از دیگر ستارگان آسمان جدا می‌کند.

این ستارگان بسیار کمیاب هستند، ولی امروزه دانشمندان به کمک پیشرفت‌های شایان اخترشناسی نزدیک به ۵۰۰ ستاره ولف- رایه را در کهکشان ما شناخته‌اند.

ایستا: اخیرا تلسکوپ فضایی هابل تصویر زیبایی را از ستاره «Hen۲-۴۲۷» منتشر کرده است.

ستاره «Hen۲-۴۲۷» که بیشتر با نام «دبلیوآر ۱۲۴» (WR1۲۴) شناخته می‌شود، یک «ستاره ولف- رایه» در صورت فلکی «پیکان» و یکی از سریع‌ترین ستارگان کهکشان با سرعت شعاعی در حدود ۲۰۰ کیلومتر بر ثانیه است. این ستاره در سال ۱۹۳۸ میلادی توسط «بل ویلارد مریل» کشف و به‌عنوان یک ستاره ولف- رایه با سرعت بالا، معرفی شد. این ستاره ۸ هزار سال نوری از زمین فاصله